

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ دسمبر ۲۰۱۹

توطئه بود یا زیاده خواهی؟؟

یکشنبه- ۲۴ قوس ۱۳۹۸ - کابل: مطلب حاضر را می خواستم دو روز قبل تقدیم شما خوانندگان عزیز بنمایم، مگر همان طوری که تذکر دادم ناگزیرشدم تا نخست به یاوه گوئی یک تن از فاشیست های و ابسته به "غنی احمدزی" بپردازم. اینک توجه تان را به زمان حمله بر بگرام و علل احتمالی آن جلب می نمایم:

۱- این برای دومین بار است که طالب و یا به نام طالب، در آستانه امضای توافقنامه با امریکا عملیاتی صورت می گیرد، عملیاتی که بار اول بهانه ای شد برای انسان دمدمی مزاج و خودخواهی به نام "ترمپ" تا مذاکرات را متوقف و "مرده" اعلام بدارد و اینبار باعث گردید تا مذاکرات قطع شده، "خلیلزاد" از موضع رئیس مذاکرات جانب امریکا، به پاکستان برود. تطابق و تقرب زمانی وقوع عملیات نظامی با امضای توافقنامه، هر انسانی را بدین فکر می اندازد که چرا چنین می شود؟ و چرا در آستانه امضای توافق، طالب به عملی دست می زند که می داند ممکن است تمام مذاکرات را باز هم بمیراند.

۲- از آن جایی که هر عملی به منظور برآورده ساختن هدفی و منفعتی صورت می گیرد، در چنین موردی می باید نخست از خود پرسید که چه کس و یا نیروهائی از قطع مذاکرات منفعت می برند؟ از آن جایی که از لحاظ نظری طیف های گوناگونی مخالف مصالحه بین امریکا و طالب اند و در نتیجه قطع مذاکرات منافع آنها را تأمین می دارد، در ذیل به صورت مختصر به هریک از آنها اشارات مختصری خواهیم داشت:

الف- اولین نیروئی که نمی خواهد به هیچ صورت قبل از اعلام نتایج انتخابات موافقتنامه صلح بین طالب و امریکا منعقد گردد، جناحی از دولت دست نشانده به رهبری "غنی احمدزی" می باشد. این نکته بر هیچ کسی پوشیده نیست که "غنی احمدزی" از جمله آنهاست که برایش رفاه و آرامش مردم افغانستان در مقایسه با منافع فردی و گروهی خودش ارزش یک توت زیر پای شده را نیز ندارد. زیرا او خوب می داند در صورتی که این موافقتنامه قبل از اعلام نتایج انتخابات کذائی امضاء گردد، دیگر جایی برای خودخواهی ها و انحصار طلبی های وی باقی نمی ماند. بلکه امریکا ناگزیر می گردد تا جهت حفظ موافقتنامه، درب را برای ورود طالب به قدرت باز نماید.

ب- بادر نظر داشت این نکته، اولین منبعی که جهت وقوع چنین عملیات هائی زیر سؤال قرار می گیرد، دولت دست نشانده است. این که به صد ها و هزاران تن از جنایتکاران "طالب و داعش" همین اکنون در "مهمانخانه های جناب رئیس" به آرزوی "شهادت" و رسیدن به ۷۰ دختر باکره شب و روز می گذرانند و پیوسته محتلم می گردند، به دولت دست نشانده

این امکان را می دهد تا چند تن از عشاق سینه چاک را از یکی از "مهمانخانه های جناب رئیس" بیرون نموده، در جایی به سراغ مرگ بفرستد.

ب- دومین طیفی که در چنین مواقعی زیر سؤال قرار می گیرند آن بخش از طالب است که در اساس مخالف عقد هرنوع پیمان و موافقتنامه ای با اشغالگران بوده فکر می نمایند وقتی تا اینجا رسیده اند که قوای اشغالگر حاضر شود با آنها مذاکره نماید با افزودن بر فشار آنها را از افغانستان بیرون خواهند انداخت.

پ- جناح های دیگری از درون طالب و یا هم خارج از تشکیلات طالب مگر مربوط به جنگ طلبان که منفعت و بقای شان را در ادامه جنگ دیده به هیچ وجه نمی خواهند توافق صلحی به امضاء برسد، زیرا هر نوع صلحی را به معنای پایان حیات خودشان می دانند، اینها هم می توانند به چنین اعمالی دست بزنند.

ت- باند طالب درکل و حامیان و بادران بین المللی شان، زمانی که احساس نمایند امریکا یا نمی خواهد مطابق میل آنها حرکت نماید و یا هم به فکر چال و نیرنگ است، با شناختی که از نیازمندی های طرف مقابل دارند، در عین حالی که در عقب میز مذاکره با طرف مقابل مصافحه صمیمانه می نمایند، در میدان جنگ با انجام چنین عملیات هائی از یک جانب توانائی های خود را به رخ طرف مقابل خود می کشند و از جانب دیگر امتیازاتی را که می خواهند، با صدای بمب و نفیر گلوله به گوش دشمن برسانند.

هموطنان گرامی!

اعمالی از سنخ حمله بر یکی از مراکز ریاست امنیت ضد ملی و یا حمله بگرام، می تواند بر مبنای دلایل فوق صورت بگیرد، آنچه از قبل مشخص است در هیچ یک از چنین عملیاتی نه منفعت مردم افغانستان در نظر گرفته می شود و نه آزادی کشور. زیرا تمام جوانب جنگ تا مغز استخوان ضد افغانستان و ضد مردم افغانستان می باشند.

سرکها ما را می طلبد!!